

# يك بررسی جالب در بخش روانی بیمارستان روزبه

تحت نظر دکتر رضایی

استاد کرسی روانی

ساعت ۶ صبح روز شنبه مورخه ۳۸/۱۲/۲۱ در بخش روانی مردانه بیماری بنام

ع. د. مبتلا به مانی به بیماری بنام ع. ع. ۵۵ ساله مبتلا به P.G دشنام میدهد و اوراد دنبال می نماید بیمار مبتلا به P.G برای فرار از چنگ وی سه عدد شیشه پنجره را برای خروج از اطاق می شکند، در نتیجه هیاهویی در بخش ایجاد میشود که با دخالت پرستاران خاتمه می یابد.

ساعت ۸ صبح از هر يك از بیماران بخش مزبور خواسته شد که چگونگی واقعه را شرح دهند در نتیجه هر کدام از بیماران بموجب بیماری روانی خود جوابی دادند که مجموعه جوابها از لحاظ تنوع موضوع و جالب بودن از نظر وضع روانی خود بیماران بشرح زیر یادداشت شد:

بیمار تخت ۱ که اسکیزوفرنی داشته جواب داد: هیچ چیزی نشد.

« ۲ « تو کسی که ومانی : یک ساعتی شلوغ شد.

(ترياك)

« ۳ « اسکیزوفرنی ساده : هواری کشیدند.

« ۴ « جنون دوره ای فرم : چیزی کردند نمیدانم چه

افسردگی بود.

« ۵ « تو کسی که ومانی (ترياك) : بلند شد آمد آنجا و ۲ و ۳

شیشه شکست بعد او را

بستند.

« ۶ « صرع : نمیدانم. من که نمیدانم.

بیمار تخت ۷ که نور استنی داشت جواب داد : از ساعت ۱۱ تا حال اظهار نگرانی میکرد میگفت آمپولی بمن زده اند از درد وجود خودش اضطراب داشت .

« ۸ » اسکیزوفرنی ساده « : همان آقا جاروبی که دست من بود گرفت و دور انداخت  
 « ۹ » « مزمن » : نمیدانم بیدار بودم و نفهمیدم  
 « ۱۰ » « نقیصه عقلی » : یک جریانی است که ما بهتر نمیدانیم من خودم بی انضباطی نکردم و سرو صدا بالاخره بیرون بود .

« ۱۱ » اسکیزوفرنی ساده « : هیچ چیز نفهمیدم  
 « ۱۲ » « نقیصه عقلی » : من نفهمیدم .  
 « ۱۳ » اسکیزوفرنی پارانوئید « : مریض شیشه را شکست نیم ساعتی سرو صدا طول کشید، شیشه را شکست

« ۱۴ » « صرع (تخت خواب مجاور) » : مریض دیگری شیشه را شکست . چرا شکست ؟ نمیدانم .

« ۱۵ » « مانی » « : هیچ طور نشد هر چه میل شماست نو کر شما آن اثاثیه را شکست

بیمار تخت ۱۶ کهمانی داشت جواب داد: سلامتی جنابعالی دیشب پدر

(تختخواب مجاور) مرا در آوردند دو تاجک

بمن زد من پسر شاه هستم

« ۱۷ » هبه فرنی (تخت مجاور) « : شلوغ نشد .

« ۱۸ » اسکیزوفرنی مزمن « : جز صدای سینی چائی که

میگذارند . سرو صدائی

نشد .

« ۱۹ » تو کسیکومانی « : مشدعباس بادادو بیداد شب

رفت خوابید و صبح باشد

چندمرتبه باین طرف و آن

طرف اطاق رفت و دو تا

مشت زد و شیشه را شکست

و شیشه شربت را بالاخره

شب خورد بامقداری خرما

و قند .

« ۲۰ » تو کسیکومانی « : چه عرض کنم بنده فقط

صدایش را شنیدم با صدای

شیشه، چیز دیگری را ملتفت

نشدم .

« ۲۱ » اسکیزوفرنی پارانوئید « : دیشب نزدیک سحر این مریض

شیشه را شکست من خوابیده

بودم در خواب حس کردم

ولی بیدار نشدم پرستارها

این طرف و آن طرف  
میدویدند ولی من بیدار  
نشدم و آنها را در خواب  
میدیدم .

بیمار تخت ۲۲ که اسکیزوفرنی داشت جواب داد : صبح بلندشد پرستارها بلند  
شدند روی پنجره نمیدانم چه  
توهمی  
کرد پرستارها آوردند  
نشاندندش .

« ۲۳ » کژخو « : این مریض که دوا خورد پاشد  
آن مریض را زد .

« ۲۴ » اسکیزوفرنی مزمن « : صبح هیچ خبری نشد من  
هیچ نفهمیدم .

« ۲۵ » P.G « : دکتر ارشد چهار سوزن داد  
به دکتری که قدش کوتاه  
بود دو تا دیگر بهش داد  
و آنها را مخلوط کرد و وقتی  
بمن زد از چاقو پشت مرا  
بریدند و گرم شد باندازه  
ایکه آنقدر لب خیا بان رفتم  
لخت خوابیدم تا دم صبح  
شیشه را شکستم چون بخاری  
را زیاد گرم کرده بودند  
مریض رو برو بمن فحش داد

باو هم دو کشیده زدم، وقتی  
سؤال شد چرا شکستی  
گفت دنبالم کرده بودند  
ومن خواستم فرار کنم که  
شیشه شکست.

اگر به جواب‌های بیماران توجه کنیم صحبت‌های مبتلایان با اسکیزوفرنی همه  
يك نواخت بوده و بترتیب عبارتند از :

- ۱- تخت ۱ اسکیزوفرنی جواب داده است هیچ خبری نشد.
- ۲- « ۳ « ساده « هواری کشیدند.
- ۳- « ۸ « « همان آقا جاروئی که دست من  
بود گرفت و دور انداخت.
- ۴- « ۹ « مزمن « نمیدانم بیدار بودم و نفهمیدم
- ۵- « ۱۱ « ساده « هیچ چیز نفهمیدم
- ۶- « ۱۸ « « جز صدای سینی چای که  
میگذارند سروصدائی نشد
- ۷- « ۲۴ « مزمن « هیچ خبری نشد و من هیچ  
نفهمیدم.

بطوری که ملاحظه میشود بیماران مبتلا با اسکیزوفرنی مزمن و اسکیزوفرنی  
ساده در مقابل سروصدا و تحریکاتی که در محیط خارج روی داده بی اعتنا مانده و از  
آن‌ها داد و بیداد و صدای شکستن شیشه و فرار بیمار در اطاق چیز مهمی در ذهن آنها  
نقش نبسته است این وضع را اطباء پسکیا تر بصور مختلف توجیه میکنند.  
یکی اینکه بیمار اسکیزوفرنی با محیط خارج قطع رابطه کرده است.  
دوم آنکه بیمار اسکیزوفرنی بعالم درونی خود فرو رفته است.

سوم آنکه بیمار اسکیزوفرن وضع فعالی نداشته و در قبال تحریکات خارج تماشاچی بدون واکنشی است و نفع و ضرری از عوامل محیط خارج در ذهن او مترتب نیست.

چهارم آنکه بعلت فقدان نیروی بصیرت مقدار ذهنی محیط خارج نزد این بیماران ضعیف است می شنوند بدون اینکه گوش فرادهند می بینند بی آنکه بنگرند بیماران اسکیزوفرنی اگر چه ظاهراً بیدارند ولی هشیار و بیدار کامل نیستند.

از نظر فیزیولوژی آنچه که مسلم است در موقع خواب ارتباط با محیط خارج وجود ندارد و ارتباط بسیار سطحی است و عمل اعضاء و احشاء خفت یافته سستی در نیروی عضلانی حاصل میشود و از این نظر میتوان اسکیزوفرنی را يك حالت خفت و ضعف بیداری دانست و چنانکه آبلی (۱) اظهار نظر نموده اسکیزوفرنی را هیپنو-فرنی (هوش خواب رفته) دانست و گیر و ضعف رابطه با محیط خارج را مربوط به ضعف عمل اعصاب رویشی دانسته است.

جواب دو بیمار که مبتلا با اسکیزوفرنی پارانوئید بودند. مریض تخت ۱۳: مریض شیشه راشکست و نیم ساعتی سروصدا طول کشید بیمار تخت ۲۱: دیشب نزدیک سحر مریض شیشه راشکست من خوابیده بودم در خواب حس کردم ولی بیدار نشدم پرستارها اینطرف و آنطرف میدویدند و من بیدار نشدم و آنها را در خواب میدیدم.

در این دو بیمار میتوان گفت یکی در حالت بیداری بوده و رابطه اش با محیط خارج برقرار بوده و دومی نیز که خود را خواب میدیده از اوضاعی که در بخش روی داده بی اطلاع مانده و آمدو شد پرستاران را در خواب حس کرده است. از اینرو بیماران نوع پارانوئید را عده ای از اطباء روان شناس در دسته هذیانی ها میدانند که از جهت رابطه با محیط خارج طبیعی بوده و صرفاً هذیان و توهمات آنها در مواقع محدودی معرف کسالت و بیماری است.

اما بیمارانی که مبتلا به مانی و توکسیکومانی بوده اند جواب تقریباً طبیعی

داده و از اوضاعی که اتفاق افتاده جواب‌های صحیحی داده‌اند.

نتیجه این بررسی آنکه ضعف ارتباط بیمار با محیط خارج که در اسکیزوفرنها دیده میشود و اطباء مختلف آنرا ضعف دقت و یافرو رفتگی در عالم درونی یا هوش خواب رفته میدانند مرحله‌ایست از فعالیت‌ذهنی در عالمی بین خواب و بیداری که بعلت اختلال متابولیسم یا ضعف اعصاب رویشی دوام یافته است.

